

علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی، سرلشکر محمدحسین باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، علی‌اکبر ولایتی مشاور بین‌الملل رهبر انقلاب، محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه، اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس، شیخ ماهر حمود رئیس اتحادیه جهانی علمای مقاومت، محمود واعظی رئیس دفتر رئیس‌جمهور، حزب‌الله لبنان، انجمن اسلامی فارغ‌التحصیلان آمریکا و کانادا و… درگذشت حسین شیخ‌الاسلام را تسلیت گفتند.

شماره ۱۹ اسفند ۱۳۹۸
وطن‌امروز | شماره ۲۸۸۴

گفت‌وگو

جنگ ۳۳ روزه که شهید مغنیه به همراه سیدحسن نصرالله برای تشکر از مسوولان و مردم به تهران آمده بودند، به همراه هم به منزل مقامات می‌رفتیم و دیدارهایی انجام می‌شد. در پایان این دیدارها، وقتی که میزبان ابراز علاقه می‌کرد تا با میهمانان عکس یادگاری بگیرد، حاج عماد زرنگی می‌کرد و دوربین را از دست آنها می‌گرفت تا به عنوان عکاس، از آنها عکس بگیرد و خودش در تصاویر نباشد. اینها از لطف خداوند بود که من به این افراد انقلابی برخوردم.

■ **در آن روزهای اول بین این گروه‌های آزادی‌بخش در نظر ما و مسوولان ما تفاوتی هم بود؟**

به صورت کلی هر کس علیه استکبار بود ما با آنها همراهی می‌کردیم. اما یک نکته جالبی بود؛ این گروه‌ها می‌آمدند و می‌رفتند ولی گروهی که امام خمینی(ره) گفتند همه‌جوره از اینها حمایت کنید حزب‌الله لبنان بود. وقتی اینها آمدند پیش امام و رفتند، امام گفت از اینها حمایت کنید. حزب‌الله تشکیلات کوچکی بود اما با حمایت ایران کم‌کم رشد کرد. حزب‌الله در لبنان با فعالیت‌های اجتماعی و خدماتی بنده اجتماعی پیدا کرد، و نقطه عطف آن شد بیرون کردن اسرائیل از لبنان در سال ۲۰۰۰ و بعد از آن هم حماسه جنگ ۳۳ روزه.

■ **ما در جنگ ۳۳ روزه چگونه پیروز شدیم؟**

آن جنگ همه لطف خدا بود. ما در جنگ، اطلاعاتی را که ام‌کاهای اسرائیلی از مناطق ما مخابه می‌کردند، رمزگشایی می‌کردیم. این موضوع تا قتل حریری هم ادامه داشت؛ آنجا که حزب‌الله را متهم کرده بودند، در دادگاه ما فیلم‌های ام‌کاها را نشان دادیم که چگونه آنها رصدش کرده و ترورش کرده بودند. آنجا همه فهمیدند که ماروی ام‌کاها سواریم. نکته بعدی هم بحث ارتباطات سیمی‌ای بود که در سراسر جبهه مقاومت لبنان بود و با هم ارتباط داشتند. بعد هم لطف‌هایی بود که خدا داشت. مثلاً زدن قایق‌های اسرائیلی در انتهای صحبت سیدحسن نصرالله که این اراده خدا بود. در جنگ ۳۳روزه مدیریت حاج قاسم، حاج عماد و سیدحسن نصرالله خیلی موثر بود.

■ **شما یک دوره طولانی در سوریه به مسؤولیت داشتید، نسبت ایران با سوریه چگونه است؟**

یک نکته‌ای که کمتر به آن توجه می‌شود و اگر به آن توجه شود حمایت سال‌های اخیر ایران از سوریه را بیشتر متوجه می‌شویم. حمایتی است که سوریه از ما در جنگ ۸ساله صدام علیه ما کرده بود. صدام از طرف همه قدرتهای دنیا حمایت می‌شد. از سوی این دولت‌های عربی منطقه حمایت می‌شد اما تنها کشور عربی که از جمهوری اسلامی و در واقع باید بگویم از جبهه حق دفاع کرد، سوریه و رئیس‌جمهور آن حافظ‌اسد بود. او حتی در حمایت از ما از بخشی از منافع خود هم گذشت. اگر می‌بینید حاج قاسم سلیمانی به کمک سوریه رفته است، زیرا این همان سوریه است که آن زمان به کمک ما آمده بود. البته این را هم در نظر بگیریم که حضور حاج قاسم در سوریه در درجه اول امنیت ما در تهران را تأمین می‌کند. سوریه کشوری است زیرا که در مبارزت مقاومت هم نقش محوری و مهمی دارد و زمانی که من آنجا بودم از نزدیک شاهد فعالیت این کشور برای جبهه مقاومت بودم.

■ **نام سردار سلیمانی را آوردید؛ موقعی که مسؤولیت داشتید با حاج‌قاسم هم همکاری داشتید؟**

نمی‌شود در منطقه کار کرد و با حاج‌قاسم همکاری نداشت. من همیشه سرباز حاج‌قاسم بودم؛ حاج‌قاسم از همه ما دیپلمات‌تر است. قدرت مذاکره او برای ما دیپلمات‌ها کلاس درس است.

یادم هست وقتی مدیرکل بین‌الملل مجلس بودم بحث‌داعش و ریشه آن داغ بود. آقای لاریجانی با اردوغان یک بحث شدیدی داشت. نتیجه بحث این شد که هر آنچه از صندوق‌های رای در سوریه بیرون آمد را اردوغان بپذیرد. آن زمان آقای لاریجانی به من تلفن زد و گفت داووداوغلو را پیش سرلشکر قاسم سلیمانی بفرستید اما قبل از آن تو به سرلشکر سلیمانی بگو که چه اتفاقی افتاده و جزئیات را بازگو کن؛ من هم زنگ زدم به حاج‌قاسم و گفتم. داووداوغلو به آنجا رفت و پس از آن سرلشکر سلیمانی به من زنگ زد و گفت حسین؛ اینها این موضوع را می‌گویند اما اجزا نمی‌کنند، که بعدها هم این پیش‌بینی سرلشکر درست از آب درآمد. حاج‌قاسم واقعاً یک دیپلمات برجسته است و در همان جلسه هم خوب تشخیص می‌دهد که نتیجه چه می‌شود. حاج‌قاسم هم دیپلمات است، هم فرمانده نظامی و هم یک استراتژیست بزرگ است؛ او هنر بزرگی دارد که توانسته در برابر داعش، یک ارتش بین‌المللی اسلامی از همه ملت‌ها را تشکیل بدهد. این را هم در نظر بگیریم که سردار سلیمانی و سپاه قدس پشتوانه دستگاه دیپلماسی هستند.

■ **بحث‌مات طولانی شد. قرار بود درباره لانه‌جاسوسی صحبت کنید و یکباره بحث‌مان به منطقه رسید. ممنونیم که وقت گذاشتید.**

سلامت باشید، امیدوارم که بحث خوبی شده باشد.



گفت‌وگوی منتشر نشده «وطن‌امروز»

با دیپلمات انقلابی زنده یاد دکتر حسین شیخ‌الاسلام

سرباز مقاومت

زنده‌یاد دکتر حسین شیخ‌الاسلام دیپلماتی انقلابی

بود که در تمام تاریخ جمهوری اسلامی در موضع دفاع از آرمان‌های انقلاب اسلامی قرار داشت. او تمام

دوران مسوولیتش را در حوزه جبهه مقاومت فعالیت کرد؛ از «معاونت عربی- آفریقای وزارت امور خارجه» تا «سفارت سوریه» و «دبیرکلی دبیر‌خانه کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین» حضور فعالی در جبهه مقاومت داشت و در نقاط مهمی به کمک جبهه مقاومت می‌آمد. آنچه در ادامه می‌آید گفت‌وگوی منتشر‌نشده ۲ سال پیش «حسین شیخ‌الاسلام» با «وطن‌امروز» است.

ظلم می‌کنیم، نه ظلم می‌بینیم!» باعث شد گروه‌های مختلف آزادی‌بخش و ضداستکباری به سمت ایران گسیل شوند. مثل همین بچه‌های حزب‌الله لبنان.

■ **شما در جریان آمدن آنها بودید؟**

خب! من از ابتدا فعالیتت در وزارت امور خارجه بود و درگیر این مسائل می‌شدم. شیعیان جبل‌عامل از قبل از انقلاب با ایران رابطه خوبی داشتند و انقلاب و نگاه اسلام سیاسی‌ای که امام داشت آنها را مجذوب کرده بود. زمانی که شیعیان لبنان خدمت حضرت امام آمدند و عقایدشان را برای امام عرضه کردند، آنجا امام یک ماموریت با بچه‌های حزب‌الله دادند. فرمودند «ماموریت شما نابودی اسرائیل است!» یادم است چند نکته هم در این باره به آنها گفتند، مثل اینکه «یادم همه دنیا از اسرائیل پشتیبانی می‌کند اما همه دنیا نیز از شاه پشتیبانی می‌کرد اما ملت ایران شاه را از بین برد و شما باید ریشه اسرائیل را از منطقه بکنید. شاه مولف‌های داشت که اسرائیل ندارد، چرا که شاه ریشه ۲ هزار و ۵۰۰ ساله در این منطقه داشت ولی اسرائیل در منطقه ریشه ندارد» و امام به مقاومت علیه ظلم صهیونیست‌ها جهت دادند. امام آنقدر برای آنها مهم بود که وقتی برگشتند لبنان، منشورشان را بر اساس نظرات امام تنظیم کردند.

■ **از ماجرای لانه خارج نشویم… آن زمان از لانه اسناد مختلفی بیرون می‌آمد؛ آیا این انتشار اسناد در داخل لانه هم حاشیه‌ای داشت؟**

بله طبیعتاً! خب! اسناد را ما شروع کردیم به بازسازی کردن؛ من مسوولیتیم چک کردن همین اسناد بسود، بعد از بازسازی، یک خلاصه‌ای هم می‌نوشتیم و می‌فرستادیم برای گروه‌هایی که حالا درباره اینها تصمیم‌گیری کنند.در باره شخصیت‌های مختلف از اسناد لانه جاسوسی مطالبی در می‌آمد و آن را منتشر می‌کردند. البته آمریکایی‌ها ممنوع کرده بودند این اسناد وارد آمریکا شود که مردم آمریکا آن را نخوانند.

اینها با خیلی شخصیت‌ها ملاقات می‌کردند و همه در اسناد می‌آمد، بعضی نوشته‌ها درباره ملاقات‌ها بود. ملاقات‌های رسمی‌ای که با شخصیت‌های مملکت دیدار کرده بودند، بعضی‌ها مورد سوءاستفاده قرار می‌گرفتند و مطلع نمی‌شدند، برخی نوشته‌ها واقعاً اسناد جاسوسی افراد بودند، که شاید از همه مهم‌تر آقای بنی‌صدر بود. آمریکایی‌ها از قبل از انقلاب با بنی‌صدر ارتباط داشتند و آن اسناد برای عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر تقدیم مجلس شد. از لفظ‌های که حس کرده بودند انقلاب پیروز می‌شود و کسی را اطراف امام ندارند، بعد از بررسی همه افراد روی یک نفر (بنی‌صدر) تمرکز کرده بودند، و یک جاسوس کار‌کشته را مامور کرده بودند برای ارتباط با بنی‌صدرا

«آهن» مهم‌ترین شخصیت آمریکا در ایران بود، مسوؤل سیا در ایران بود اما هر وقت قرار بود کسی با بنی‌صدر ارتباط برقرار کند همان مامور کار‌کشته‌ای بود که بعد از انقلاب و بعد از مهم شدن بنی‌صدر از آمریکا می‌آمد ایران و آهن هم باید اینجا در خدمت او می‌بود. حالا جالب است ارتباطش با بنی‌صدر در ابتدا از دریچه اقتصاد و تحلیل‌های اقتصادی و اینها بود.

یکی از جاهایی که واقعا ظلم شد و این ظلم را هم منافقان و طرفداران آقای بنی‌صدر کردند درباره شهید بهشتی بود. آنها شهید بهشتی را به آمریکایی بودن متهم می‌کردند و در آن فضای انقلابی اینگونه ضد شهید بهشتی‌کی کار می‌کردند، در صورتی که اینها دروغ محض بود. در اسناد لانه جاسوسی در چند جلسه از شهید بهشتی هم نام برده شده بود. یکی از آن جلسات مربوط به قبل از انقلاب بود. هاینز یکی از مهم‌ترین فرماندهان ارتش آمریکا برای سلماندهی ارتش شاه و جلوگیری از انقلاب آمده بود؛ می‌خواست با شورای انقلاب هم جلسه بگذارد، امام خمینی شهید بهشتی را مامور کرده بودند که



خدا را شکر یکی از الطاف خدا به من این بود که در حوزه دیپلماسی، در منطقه غرب آسیا به کار گرفته شدم و سر و کارم با گروه‌های مقاومت منطقه‌ای بود.

من همیشه سرباز حاج‌قاسم بودم؛ حاج‌قاسم از همه ما دیپلمات‌تر است. قدرت مذاکره او برای ما دیپلمات‌ها کلاس درس است

حاج‌قاسم هم دیپلمات است، هم فرمانده نظامی و هم یک استراتژیست بزرگ است؛ او هنر بزرگی دارد که توانسته در برابر داعش، یک ارتش بین‌المللی اسلامی از همه ملت‌ها را تشکیل بدهد.

گروهی که امام خمینی گفتند همه‌جوره از اینها حمایت کنید حزب‌الله لبنان بود

برود ببیند این فرد چه می‌گوید و در آن جلسه شهید بهشتی با منطق و استدلال به هاینز تفهیم کرده بود که با کودتا یا راه دیگری نمی‌توانند در برابر انقلاب ایران بایستند. شهید بهشتی گفته بود که این ملت، ملت سال ۳۲ نیست و این امام هم، دکتر مصدق نیست و اگر کودتا هم بکنید خونریزی بیشتری دارد اما ناموفق است و نفرت از آمریکا را بیشتر می‌کند. این موضع که

کلاماً انقلابی و ضدآمریکایی بود. جلسه دیگری به در اسناد بود که آمریکایی‌های ساکن سفارت بعد از انقلاب و چند روز قبل از تسخیر لانه جاسوسی می‌خواستند با شهید بهشتی ملاقات کنند. آقای لینگن، کاردار سفارت آمریکا در خواست دیدار داده بود که شهید بهشتی گفته بود به ساختمان مجلس خیرگان بیایند. در آن جلسه هم شهید بهشتی تماماً انتقادات جامعه و حکومت علیه آمریکا را بیان کرده بود.در آن جلسه شهید بهشتی

دروغگو مثل مایک!

درباره ترور سپهبد سلیمانی این بود که شهادت فرمانده ایرانی، هر آنچه را او در تمام عمر به دنبالش بود، در اختیار ایران قرار داد. او در این‌باره بیان کرد: «بعد از حمله به ژنرال سلیمانی مجلس عراق بیانیه‌ای صادر کرد و خواستار خروج نیروهای آمریکایی از این کشور شد. این دقیقاً همان چیزی بود که سلیمانی ۲۰ سال تمام به دنبالش بود. از بین بردن رابطه عراق و آمریکا و کشاندن آن به نقطه در هم شکستن و از بین رفتن و کشاندن خاورمیانه به مرحله نامنی و آشفتگی و عدم اطمینان، منافع ایالات متحده را تأمین نمی‌کند. این دولت جواب‌های آشکار و شفاف برای بسیاری از سوالات ما ندارد. در جمله سؤال درباره بیرون رفتن از برجام و اینکه هیچ استراتژی دیگری در این‌باره ندارد. رها کردن کرد‌ها به حال خود و بازهم هیچ استراتژی‌ای در کار نیست»
منافع استراتژیک در کشتن سلیمانی، استراتژی‌ای در کار نیست. پیشنهاد اینکه ایالات متحده مناطق فرهنگی ایران را بمباران و نابود کند، استراتژی‌ای در کار نیست. عدم اعطای ویزا به وزیر امور خارجه ایران برای رفتن به مقر سازمان ملل، استراتژی‌ای در کار نیست.

بیان کردن این مسأله که در صورتی که نیروهای‌مان را از عراق بیرون کنند، آنها را تنبیه می‌کنیم، استراتژی‌ای در کار نیست. می‌گذارد و دولت باید بهتر از این عمل کند.»
■ **بی‌اهمیت نشان دادن جان سربازان آمریکایی**
برد شرم‌من، از نمایندگان کنگره به بحث دیگری درباره دروغگوئی‌های ترامپ اشاره و بیان کرد همه این مسائل نشان می‌دهد جان سربازان آمریکایی برای رئیس‌جمهور آمریکا ذره‌ای ارزش ندارد. وی افزود: «۱۱۰ نفر از نیروهای نظامی ما از جراحات مغزی رنج می‌برند. پناگون بر این عقیده است که این مسأله می‌تواند بدتر از این نیز شود اما فردای روزی که ۱۱۰ نفر از اعضای نیروهای ما صدمه دیدند، رئیس‌جمهور گفت هیچ کلام از نیروهای ما از حمله شب گذشته رژیم ایران صدمه ندیده‌اند. ۱۹ روز بعد، رئیس‌جمهور درباره این زخمی‌ها گفت شنیده‌ام «سردرد» دارند و می‌توانم گزارش دهم صدمات جدی‌ای ندیده‌اند. این در حالی است که ۳۰ تن از آنها هنوز در بیمارستان هستند و همه آنها در تمام طول زندگی‌شان از این جراحات رنج خواهند برد. آقای وزیر! می‌خواهید از این فرصت استفاده کنید و به خاطر بی‌اهمیت نشان دادن جراحات آنها از خانواده‌های‌شان خنروخواهی کنید؟»

■ **ایران از همیشه قوی‌تر است**

اعتراض یکی دیگر از نمایندگان دموکرات به مایک پمپئو

دولت باید بهتر از این عمل کند.»

■ **بی‌اهمیت نشان دادن جان سربازان آمریکایی**
برد شرم‌من، از نمایندگان کنگره به بحث دیگری درباره دروغگوئی‌های ترامپ اشاره و بیان کرد همه این مسائل نشان می‌دهد جان سربازان آمریکایی برای رئیس‌جمهور آمریکا ذره‌ای ارزش ندارد. وی افزود: «۱۱۰ نفر از نیروهای نظامی ما از جراحات مغزی رنج می‌برند. پناگون بر این عقیده است که این مسأله می‌تواند بدتر از این نیز شود اما فردای روزی که ۱۱۰ نفر از اعضای نیروهای ما صدمه دیدند، رئیس‌جمهور گفت هیچ کلام از نیروهای ما از حمله شب گذشته رژیم ایران صدمه ندیده‌اند. ۱۹ روز بعد، رئیس‌جمهور درباره این زخمی‌ها گفت شنیده‌ام «سردرد» دارند و می‌توانم گزارش دهم صدمات جدی‌ای ندیده‌اند. این در حالی است که ۳۰ تن از آنها هنوز در بیمارستان هستند و همه آنها در تمام طول زندگی‌شان از این جراحات رنج خواهند برد. آقای وزیر! می‌خواهید از این فرصت استفاده کنید و به خاطر بی‌اهمیت نشان دادن جراحات آنها از خانواده‌های‌شان خنروخواهی کنید؟»

■ **ایران از همیشه سرباز حاج‌قاسم بودم؛ حاج‌قاسم از همه ما دیپلمات‌تر است. قدرت مذاکره او برای ما دیپلمات‌ها کلاس درس است**

حاج‌قاسم هم دیپلمات است، هم فرمانده نظامی و هم یک استراتژیست بزرگ است؛ او هنر بزرگی دارد که توانسته در برابر داعش، یک ارتش بین‌المللی اسلامی از همه ملت‌ها را تشکیل بدهد.

گروهی که امام خمینی گفتند همه‌جوره از اینها حمایت کنید حزب‌الله لبنان بود

برود ببیند این فرد چه می‌گوید و در آن جلسه شهید بهشتی با منطق و استدلال به هاینز تفهیم کرده بود که با کودتا یا راه دیگری نمی‌توانند در برابر انقلاب ایران بایستند. شهید بهشتی گفته بود که این ملت، ملت سال ۳۲ نیست و این امام هم، دکتر مصدق نیست و اگر کودتا هم بکنید خونریزی بیشتری دارد اما ناموفق است و نفرت از آمریکا را بیشتر می‌کند. این موضع که

کلاماً انقلابی و ضدآمریکایی بود. جلسه دیگری به در اسناد بود که آمریکایی‌های ساکن سفارت بعد از انقلاب و چند روز قبل از تسخیر لانه جاسوسی می‌خواستند با شهید بهشتی ملاقات کنند. آقای لینگن، کاردار سفارت آمریکا در خواست دیدار داده بود که شهید بهشتی گفته بود به ساختمان مجلس خیرگان بیایند. در آن جلسه هم شهید بهشتی تماماً انتقادات جامعه و حکومت علیه آمریکا را بیان کرده بود.در آن جلسه شهید بهشتی

این لطف خدا بود که بعداز انقلاب با انقلابی‌های منطقه پیوند خوردم. مثلاً شخصیتی مثل حاج عماد مغنیه که واقعا انسان وارسته‌ای بوده شخصیتی که واقعا نمی‌شد او را شهید کرد و روزی که شهید شد در ذهن من فقط این گزاره عبور کرد که طرف وجودی او پر شده بود و هنگامه شهادتش فرا رسیده بود. شهید عماد مغنیه آنقدر در حوزه استراتژیک تیزهوش بود که حتی برای قرار ملاقات‌هایش هم طرح‌ریزی می‌کرد. یک روزی آقای شمخانی (وزیر دفاع وقت‌مان بود) برای دیدار با حاج عماد در لبنان قرار داشت؛ شهید مغنیه برای اینکه شناخته نشود و بتواند به راحتی توضیحات لازم را به او ارائه دهد، پشت فرمان نشست و در نقش راننده همه مناطق را مورد بازدید قرار داد و برای آقای شمخانی تشریح کرد. درباره این تیزهوشی حاج عماد یک خاطره‌ای یادم می‌آید. بعد از

قریان هیچ‌کس در اینجا برای مرگ سلیمانی عزاداری نمی‌کند اما این مسأله دقیقاً به همان طریقی که پیش‌بینی می‌شد به سمت ما بازگشت، منافع ما را در خطر قرار داد و آمریکا را نیز در امنیت بیشتری قرار نداد.»
■ **فرصتی برای ابراز نگرانی نمایندگان درباره ویروس کرونا در آمریکا**

درست است مسأله ترور سپهبد شهیدسلیمانی به دست نیروهای آمریکایی مسأله‌اصلی در کشاندن پمپئو به کنگره و بازخواست او بوده است اما مسأله‌ای که نمایندگان آمریکایی را بیش از پیش نگران کرده بود، این بود که چگونه می‌توان به دولتی که برای منافع انتخاباتی خود امنیت آمریکا و نیروهای نظامی این کشور را به خطر می‌اندازد، اعتماد کرد و به خاطر منافع حزبی و انتخاباتی خود درباره گسترش ویروس کرونا در این کشور دروغ نگوید؟ به همین دلیل بود که وارد شدن کرونا به آمریکا هم‌زمان با شکل گرفتن جلسه استماع کنگره و حضور وزیر خارجه این کشور در جلسه این نهاد، باعث شد برخی سوالات و بحث‌های مطرح شده خارج از موضوع ایران و در ارتباط با گسترش این ویروس در آمریکا باشد. با این حال دروغگوئی دولت ترامپ درباره